

بحرین سرزمین اکثریت در تبعیض

با وجود این که بیش از 75 درصد مردم بحرین را شیعیان تشکیل می دهند ولی با وجود این بسیاری از آنان در تبعیض زندگی کرده و از دسترسی به اغلب ثروت های طبیعی این سرزمین محروم هستند.



با وجود این که بیش از 75 درصد مردم بحرین را شیعیان تشکیل می دهند ولی با وجود این بسیاری از آنان در تبعیض زندگی کرده و از دسترسی به اغلب ثروت های طبیعی این سرزمین محروم هستند.

به گزارش فارس، بحرین کشوری جزیره‌ای در جنوب خلیج فارس است که در سال 1971 از ایران جدا گردید. این کشور از سال 1783 با حمایت انگلیسی‌ها به دست خاندان آل خلیفه افتاد. این خاندان که دارای عقبه عشیره‌ای در شبه جزیره عربستان بود به تدریج اندیشه‌های جدایی طلبی پیدا کرد و با شیطن انگلستان و دخالت سازمان ملل طی یک نظر سنجی ساختگی و غیر قابل پذیرش از ایران جدا شد.

بحرین 706 کیلومتر مربع مساحت دارد که کوچک‌تر از کوچک‌ترین استان ایران است. از هفتصد کیلومتر مربع مساحت این کشور نزدیک به 400 کیلومتر مربع آن بیابانی است. بحرین به جزیره یک میلیون نخل نیز شهرت داشته است. بحرین شامل سه شهر یا به عبارت بهتر سه جزیره اصلی منامه، محرق و ستره است و منامه یعنی بزرگترین این جزایر پایتخت آن به شمار می‌آید. در بحرین روستاهایی هم هست که در فاصله‌های نزدیک به یکدیگر قرار دارند.

*بحرین متحد استراتژیک آمریکا

پادشاه بحرین شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه است که از سال 1999 تاکنون حاکم این جزیره است. حکومت بحرین در سال 2002 از امیر نشین به پادشاهی تغییر نام داد.

این کشور یکی از اعضای اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس است. عربستان همواره نگاهی اقماری به بحرین داشته و در صدد تاثیر گذاری بر مناسبات داخلی این کشور بوده است.

روابط بحرین و آمریکا از سال 1992 و با توسعه صنعت نفت این کشور آغاز شد، و در سال 1998 این کشور مرکز فرماندهی ناوهای آمریکایی در خلیج فارس شد. سال 2001 نقطه اوج روابط منامه و واشنگتن است. در این سال، رئیس جمهور وقت آمریکا، بحرین را به عنوان یکی از متحدان استراتژیک خود اعلام کرد.

*مقامات بریتانیایی تعیین کننده سیاست خارجی و برخی از سیاست‌های داخلی بحرین

روابط بحرین با بریتانیا به قرن هفدهم میلادی و زمان قیمویت بریتانیا بر این کشور باز می‌گردد. امروزه نیز مقامات بریتانیایی تعیین کننده سیاست خارجی و برخی از سیاست‌های داخلی در این کشور هستند، هم اکنون نیز در ادارات و سازمان‌های دولتی از حضور مشاوران بریتانیایی استفاده می‌شود.

*کشوری وابسته به گردشگری و آلومینیوم

بحرین کشور ثروتمندی نیست و حتی بخشی از انرژی آن توسط عربستان، تامین می‌شود، این دو کشور با یک پل 25 کیلومتری که به نام پل فهد معروف است و در سال 1986 افتتاح شد، به یکدیگر متصل می‌شوند.

امروزه، اقتصاد کشور بحرین وابسته به بانکداری و هواپیمایی کشتی و ناوها است. بحرین اولین کشور حوزه خلیج فارس است که نفت در آن اکتشاف شده ولی منابع نفت و گاز آن بسیار محدود است، اقتصاد سنتی بحرین وابسته به مروارید بوده، اما در حال حاضر بیشتر در آمد ساکنان بحرین از بانکداری و گردشگری تامین می‌شود. به هر روی نفت و فراورده‌های نفتی 60 درصد صادرات و درآمد دولت این کشور و همچنین 30 درصد تولید ناخالص داخلی بحرین را تشکیل می‌دهد. تنها صنعت سنگین داخلی این کشور تولید آلومینیوم است که در مقایس فراوان تولید و عرضه می‌شود. بحرین رتبه نخست تولید این محصول در خاورمیانه و رتبه پنجم در سطح جهانی را دار است.

*بحرین؛ چهارمین حوزه فعال شیعیان

جمعیت بحرین 700 هزار نفر است که حدود 150 هزار نفر آنان خارجی‌هایی هستند که در آنجا کار می‌کنند. 50 هزار نفر ایرانیان بحرین هم که اکثر آنان در سال مهاجرانی از جنوب ایران از فارس و بوشهر هستند در بحرین زندگی می‌کنند و به رغم سکوت طولانی آنان همچنان به فارسی صحبت می‌کنند.

حدود 80 درصد جمعیت بحرین شیعه هستند، تشیع توسط قبیله عبد القیس وارد بحرین شده است. بحرین پس از ایران و عراق و آذربایجان چهارمین مرکز شیعی در جهان اسلام است. حوزه عملیه بحرین از حدود 400 سال گذشته بسیار فعال بوده است. بحرین در سال 1350 و در پی توطئه‌ای انگلیسی و ضعف ناشی از وابستگی محمد رضا پهلوی از ایران جدا شد. در پی جدان استان بحرین از ایران، آل خلیفه که از قبایل نجد در عربستان به حساب می‌آید و بخشی از آن در این جزیره مستقر بودند، با همکاری انگلستان حکومت را در اختیار گرفتند و تا امروز به رقم جمعیت حداقلی خود بر اکثریت شیعه در این جزیره حکم رانده‌اند.

*شیعیان شهروندان درجه دو بحرین

حکومت بحرین محدودیت‌های فراوانی را علیه شیعیان این کشور وضع کرد به نحوی که پس از چند سال شیعیان این کشور به رغم دارا بودن اکثریت به شهروندان درجه 2 تبدیل شدند. محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وضع شده علیه شیعیان موجب نارضایتی گسترده در میان شیعیان شد.

در سال 1975 و به انحلال مجمع ملی بحرین که یک نهاد مشورتی بود اختلافات به اوج خود رسید و شیعیان مشارکت در روند سیاسی بحرین را برای سه دهه به حالت تعلیق در آوردند.

در سال 1999 شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه پس از مرگ پدرش روی کار آمد. وی با شناخت این نارضایتی‌ها در ابتدا اقدام به ایجاد اصلاحاتی کرد. وی هزاران زندانی سیاسی را آزاد و زندان‌هایی را که در آنها شکنجه صورت گرفت، تعطیل کرد و به تبعیدیان اجازه داد تا به وطن خود بازگردند.

شیخ حمد همچنین اجازه داد تا روزنامه‌های اپوزیسیون، گروه‌های حقوق بشر و سازمان‌های غیر دولتی تأسیس شوند و با یک آزادی نسبی فعالیت کنند. البته فعالیت احزاب سیاسی در این کشور همچنان ممنوع است، اما انجمن‌های سیاسی به عنوان جایگزین آنها در حال فعالیت هستند.

شیخ حمد همچنین وعده داد تا قانون اساسی جدیدی را در بحرین تدوین کند که منجر به بهبود فضای سیاسی در این کشور کوچک شود و در سال 2002 اقدام به راه اندازی مجدد پارلمان کرد.

*بحرین و پادشاهانی که تنها سیاست سرکوب دنبال می‌کنند

پس از مدتی آشکار گشت که این اصلاحات صوری فقط در جهت خاموش کردن ناآرامی‌های بحرین بود که پس از مرگ پادشاه و در جریان انتقال قدرت به وجود آمده بود و پادشاه جدید با در پیش گرفتن رویه گذشته همچنان به محدود سازی فضای سیاسی و اجتماعی بحرین پرداخت. گروه‌های شیعه با درک این موضوع مجدداً به تحریم انتخابات و مشارکت سیاسی پرداختند، ولی جمعیت وفاق ملی بحرین همچنان در فضای سیاسی باقی ماند، هر چند در میان شیعیان در مورد این اقدام اختلاف نظر وجود داشت و اکثریت آنها خواهان پیوستن جمعیت الوفاق به تحریم بودند، ولی این جمعیت توانست آراء قابل ملاحظه‌ای را در پارلمان کسب کند.

*یهودی آری، شیعه نه

با این حال پیروزی شیعیان در انتخابات مجلس نیز نتوانست به تبعیض‌های وارد شده بر شیعیان پایان دهد، به گونه‌ای که حتی یک نفر از شیعیان نیز در رده‌های بالای دولت بحرین و نیروهای نظامی این کشور برسد، اما در مقابل یهودیان بحرین با داشتن جمعیتی نزدیک به پنجاه نفر نمایندگی سفارت بحرین را در آمریکا را به دست آوردند.

این تبعیض گسترده نه تنها سبب در بخش اداری و سیاسی بلکه بخش‌های اقتصادی را فراگرفته است. اغلب شیعیان از امکان سکونت در مناطق مختلف این کشور برخوردار نیستند، در حالی که اتباع سایر کشورها همچون پاکستان و عربستان سعودی امکان حضور و سرمایه‌گذاری را در مناطق مختلف بحرین به دست آورند. در نهایت این تبعیض‌ها زمینه قیام نهایی مردم یمن را همراه با بیداری اسلامی در سایر کشورها فراهم آورد.

*از قیام تا سرکوب

با آغاز قیام مردم بحرین و تجمع آنان در میدان لؤلؤ دستگاه سرکوب بحرین نیز به حرکت در آمد و حتی تانک‌های ارتش یمن نیز به میدان آمدند، اما پس از چند روز ناتوانی آن‌ها در مقابل اقدامات مردم آشکار شد و این نیروها به سمت پادگان‌های خود عقب نشینی کردند.

از سوی دیگر قیام مردم در بحرین به شدت نگرانی آمریکا و عربستان سعودی را برانگیخت و حتی پادشاه عربستان درمان خود را در آمریکا نیمه تمام گذاشت و برای مدیریت موضوع به عربستان بازگشت.

از سوی دیگر رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا در سفری یک روزه به بحرین برای سرکوب وحشیانه مردم به بحرین و آمریکا چراغ سبز نشان داد و بلافاصله هجوم نیروهای عربستان سعودی برای سرکوب مردم بحرین به این کشور آغاز شد.

از آن زمان تاکنون با وجود فشارهای فراوان بر مردم بحرین با این حال مقاومت به شکل اعتراضات صلح طلبانه ادامه یافته است. از

سوي ديگر با وجو نقص چشم گیر حقوق بشر در این کشور هیچ کدام از محافل حقوق بشر در غرب نسبت به این کشتارها واکنشي نشان نداده اند.

*بحرين ديوار حائل ايران و عربستان

به نظر مي‌رسد قيام مردم بحرين بين سه گزینه حق انتخاب داشته باشد. ساقط کردن نظام، اصلاحات اساسي و سرکوب توسط نظام حاکم.

در حد اعلاي اين راه حل‌ها سوق‌پادشاهي آل خليفه قرار دارد که خط قرمز عربستان سعودي به حساب مي‌آيد چرا که مي‌تاند تمامي حکومت‌هاي شبه جزيره را متزلزل نمايد. سقوط آل خليفه در بحرين يعني فرو ريختن ديواره‌هاي حائل بين ايران و عربستان سعودي و در اين صورت است که عربستان خود را در مقابل ايران بدون دفاع خواهد يافت و مناطق راهبردي عربستان سعودي مانند طهران و قطيف با دارا بودن جمعيتي شيعه، در مجاورت سرزمين‌هايي آزاد و دمکراتيك واقع خواهد شد. لذا به نظر مي‌رسد سعودي‌ها هر راهي را براي شکست خوردن اين سناريو خواهند پيمود.

در اين راه حتي اخباري وجود دارد که نيروهاي امنيتي عربستان سعودي به همراه گردان‌هاي صاعقه بحرين در ميدان لؤلؤ منامه به معترضان حمله کرده و در قتل آنها دست داشته‌اند. که در صورت صحت اين ادعاها نشان دهند عزم جدي سعودي براي جلوگیری از تغيير نظام در بحرين است.

*مشروطه سلطنتي، اقدام حداقلي

گزینه دوم براي انقلابيون به دست آوردن چيزي بيشت از اصلاحاتي است که پادشاه بحرين پيش از اين قولش را داده بود. برخي از بحريني‌ها به دنبال تغيير نظام از سلطنتي به سطنت مشروطه هستند که تضمين‌هاي قانوني محکمي براي پايبندي به قانون در آن وجود داشته باشد.

اين مسر متضمن تلاش معارضة بحريني براي در پيش گرفتن مسير تعامل با حکومت به منظور دستيابي به حد مطلوبياز خواسته‌هاي سياسي و اجتماعي است. اين مسير از گفت و گوهاي بين معارضة و ولي عهد مي‌گذرد که به دستور پادشاه مامور اين کار شده است. پيش قراول اين جريان، جمعيت وفاق ملي بحرين است که خواستار اصلاحات سياسي در جاگاه نخست وزير و رسيدن يکي از اهل سنت معارضة حکومت به نخست وزيري، کاهش امتيازات خانواده حاکم، روي کارآمدن سلطنت مشروطه تحقق عدالت بين همه مردم کشور و ... شده است.

معارضة براي رسيدن به اين امتيازات نيز با مخالفت‌هاي جدي روبروست، آنها براي پيمودن اين مسير با مخالفت گروه‌هايي از خاندان حاکم مواجه هستند که به صورت مستقيم با عربستان سعودي در ارتباط مي‌باشند.

*سرکوب، گزینه مطلوب عربستان

اما گزینه سوم سرکوب است آنچه جناح تندرو و افراطي خاندان حاکم خواستار آن است اينکه حکومت آل خليفه روي گفت و گو با معارضة تاکيد نمايد و با رد هر گونه تغييری در نظام حاکم با شدت در مقابل معارضة بایستد تا ساختارهاي نظام فعلي حفظ گردد.